

## بازبینی قانون محاسبات عمومی کشور

با توجه به مشکلات و نارسایی‌های قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶، هیأت محترم وزیران مقرر نمود وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور طرح جامع اصلاح قانون محاسبات عمومی را تهیه و به هیأت دولت تقدیم نماید. در این راستا وزارت امور اقتصادی و دارایی از کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و... درخواست نمود تا استراتژی‌ها و راهبردهایی که می‌تواند متناسب با تحولات اقتصادی، اجتماعی کشور راه‌گشای هر چه سریع‌تر، صحیح‌تر و کامل‌تر عملیات دولت باشد به همراه هر گونه پیشنهاد اصلاحی دیگر برای تدوین طرح جامع اصلاح قانون محاسبات عمومی کشور ارائه نمایند. در این گزارش به مواد مهمی که از طرف کارشناسان مالی معاونت امور برق مطرح شده اشاره می‌شود و انتظار دارد خوانندگان محترم نظرات خود را برای جمع‌بندی و انعکاس در شماره‌های بعدی به دفتر نشریه ارسال فرمایند.

### ماده ۴ -

د: فهرست شرکت‌های موضوع ماده ۴ قانون

محاسبات عمومی جهت رفع ابهامات احتمالی در تشخیص دولتی بودن آنها مشخص گردد.

مواد ۲۵ - ۲۶ - ۳۳ - ۵۴ - ۷۴ - ۷۶

در فصل هشتم قانون برنامه سوم توسعه اختیارات

جدیدبر عهده خزانه معین استانی «جایگزین نمایندگی

خزانه» گذاشته شده است. پیشنهاد می‌گردد مواد

۲۵ - ۲۶ - ۳۳ - ۵۴ - ۷۴ - ۷۶ که بنحوی با موضوع خزانه

معین استانی مرتبط می‌باشند اصلاح گردد.

ماده ۲۳ - نظر به برداشت‌های متفاوت در تعریف هزینه‌های

جاری و عمرانی موضوع ماده ۲۵ و همچنین تغییر واژه

الف: با توجه به ابهاماتی که در تعریف آن دسته از

شرکت‌های تجاری که بطور غیرمستقیم و با واسطه سهامداران

خصوصی مجموع سهام آنها به بیش از ۵۰٪ می‌رسد، از نظر

دولتی بودن موجود است لذا وضعیت این گونه

شرکت‌ها صراحتاً مشخص نمی‌باشد.

ب: تکلیف شرکت‌های تجاری که بیش از ۵۰٪

سهام آنها متعلق به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و

شرکت‌های دولتی و سازمان‌های دولتی بطور مشترک می‌باشد

مشخص گردد.

ج: تکلیف شرکت‌هایی که صادره شده‌اند و در حکم

دادگاه آنها دولتی بودن آنها قید نشده است مشخص گردد.

عمرانی مناسب است تعریف مشخصی از این هزینه‌ها در ماده ۲۳ ارائه گردد.

**ماده ۳۱ -** پیشنهاد می‌گردد به منظور استفاده از خدمات کارکنان با صلاحیت عنوان مستخدم رسمی از مواد ۳۵-۳۴-۳۲-۳۱-۳۶ حذف و بجای آن کارکنان واجد صلاحیت قید شود. بعلاوه جایگاه سازمانی ذیحساب در دستگاه دولتی تعیین گردد تا از تداخل وظایفی که معمولاً پیش می‌آید جلوگیری گردد. پیشنهاد می‌گردد در شرکت‌های دولتی بجای انتصاب ذیحساب از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی، برای منابع داخلی شرکت عضو مالی هیأت مدیره به عنوان ذیحساب از طرف مجمع عمومی منصوب گردد.

**تبصره ۱ ماده ۳۱ -** تبصره مذکور بشرح ذیل اصلاح گردد: ذیحساب زیر نظر دستگاه اجرایی که در نمودار سازمانی مصوب مشخص گردیده وظایف خود را انجام دهد.

**تبصره ۲ ماده ۳۱ -** تبصره مذکور بشرح ذیل اصلاح گردد:

به منظور نظارت مستقیم وزارت امور اقتصادی و دارایی بر فعالیت‌های موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی پیشنهاد می‌شود ذیحساب این موسسات همچون واحدهای دولتی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی انتخاب گردند.

**ماده ۴۱ -** ترتیبی اتخاذ گردد که شرکت‌های دولتی صرفاً وجوه سپرده‌ای را که از محل هزینه‌های عمرانی دریافت می‌دارند به حسابهای سپرده واریز نمایند.

**ماده ۴۴ -** با توجه به اینکه گزارشات مالی در سالهای اخیر تغییرات اساسی داشته پیشنهاد می‌گردد در موادی که در آنهاواژه ترازنامه و سود و زیان قید شده به صورتهای مالی اساسی تغییر نام یابد.

- با توجه به تغییرات ساختاری نام سازمان برنامه و بودجه به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اصلاح شود.

**ماده ۵۳ -** با توجه به عدم ذکر نام شرکت دولتی در متن ماده ۵۳ ابهام در ارتباط با مشمولیت مفاد این ماده در مورد شرکت‌های دولتی موجود است که می‌بایستی در این خصوص صراحتاً مشخص گردد.

**ماده ۶۹ -** در متن ماده مذکور بیان گردیده است که در صورت تصویب صورتهای مالی توسط مجمع عمومی مازاد کمک‌های دریافتی شرکت دولتی بحساب خزانه واریز خواهد شد. اما در این ماده در خصوص نحوه برگشت مازاد کمک‌های دریافتی شرکت دولتی در صورت عدم تصویب صورتهای مالی در مجمع عمومی ذکر نشده است.

**تبصره ۵ ماده ۷۲ -** در تبصره مذکور تعریف حساب سالانه مشخص گردد.

**ماده ۷۶** - به منظور تسهیل در استفاده از حساب بانکی شرکتهای دولتی پیشنهاد می شود همانند وزارتخانه ها و موسسات دولتی استفاده از حسابهای بانکی با امضای مشترک ذیحساب یا نماینده مجاز ذیحساب به اتفاق مدیر عامل یا نماینده مجاز مدیر عامل ممکن گردد.

### **ماده ۷۹ -**

الف: با توجه به اهداف قانون برنامه سوم توسعه در راستای حمایت از بخش خصوصی به نظر میرسد استثنائات ماده ۷۹ می بایستی مورد بازنگری مجدد قرار گیرد.

**مواد ۸۰ - ۸۶ - ۸۷** - پیشنهاد می گردد به منظور انطباق با شرایط اقتصادی، تعدیل حدنصاب معاملات در قانون بودجه هر سال مورد بازنگری قرار گیرد.

### **ماده ۹۱ -**

الف: تکلیف مقرر شده در ماده ۹۱ مربوط به وجه سند هزینه و مخارج پرداختی می باشد و تکلیف پرداختهایی مانند علی الحساب و پیش پرداخت که در محدوده تعاریف فوق لحاظ نمی گردد مشخص نیست. بعلاوه تکلیف و اختیار نظارتی ذیحساب در مورد درآمدهای شرکت در این ماده و کل قانون مبهم است.

ب : با توجه به اینکه ذیحسابان شرکتهای دولتی از کارکنان همان شرکت انتخاب می گردند لذا کاربرد نظارتی ماده ۹۱ عملاً ضعیف است.

ج : تکالیف مقرر برای ذیحساب در این ماده و سایر مواد قانونی با مسئولیت و اختیار هیأت مدیره شرکتها هماهنگی ندارد.

**ماده ۹۳** - مشمولیت موضوع ماده مذکور صرفاً در مورد وزارتخانه و موسسه دولتی می باشد و ذکری از شرکتهای دولتی و سایر سازمانهای ذیربط نگردیده است.

**مواد ۹۸ و ۹۹** - براساس مواد مذکور شرکتهای دولتی مکلف شده اند ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت حساب دریافت و پرداخت طرحهای عمرانی خود را پس از تصویب مجمع عمومی به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال نمایند با توجه به اینکه صورتهای مالی تعداد قابل ملاحظه ای از شرکتهای به تصویب مجمع عمومی نرسیده است و حسابهای این قبیل شرکتهای در عملکرد سالانه بودجه کل کشور درج نمی گردد، مقتضی است در اینمورد جامع نگری شود.

**ماده ۱۰۳** - نظر به مغایرتهای مشروحه ذیل موجود در مفاد این ماده با ماده ۱ قانون تفریغ بودجه لازم است مراتب مورد توجه قرار گیرد:

۱ - در ماده ۱۰۳ ضرب الاجل تعیین شده جهت تهیه صورتحساب عملکرد سالانه تا پایان آذر ماه سال بعد تعیین شده در صورتیکه در ماده ۱ قانون تفریغ بودجه تا پایان دیماه سال بعد تعیین شده است.

۲- در ماده ۱۰۳ ارائه صورتحساب عملکرد سالانه به دیوان محاسبات و هیأت وزیران بطور همزمان اعلام گردیده در صورتیکه در ماده ۱ قانون تفریغ بودجه صورتحساب عملکرد پس از تایید هیأت وزیران به دیوان محاسبات ارائه می‌گردد.

۳- در ماده ۱۰۳ نحوه تهیه و تنظیم صورتحساب عملکرد سالانه براساس تقسیمات و عناوین درآمد و سایر منابع تامین اعتبار مندرج در قانون بودجه سال مربوط می‌باشد ولی در ماده ۱ قانون تفریغ بودجه براساس تهیه دستورالعملی مشترک توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات در نظر گرفته شده است.

**ماده ۱۰۷-** نحوه اعمال حساب انتقال بلاعوض اموال منقول دولت از یک وزارتخانه یا موسسه دولتی به وزارتخانه یا موسسه دولتی دیگر مشخص گردد.

**مواد ۱۰۸ و ۱۰۹-** با توجه به شاخص‌های اقتصادی روز، ضروری است در خصوص سقف تعیین شده در این مواد تجدیدنظر گردد.

**ماده ۱۱۳-** براساس ماده ۳۲ قانون بودجه و جوهی که از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی جهت اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی پرداخت می‌شود بصورت وام در اختیار دستگاه اجرائی قرار می‌گیرد در حالیکه طبق ماده ۱۱۳ قانون محاسبات اموال منقول و غیرمنقول خریداری شده از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی تا زمانی که اجرای طرح

مربوط خاتمه نیافته متعلق به دولت است. مغایرت مفاد این دو ماده بایستی بررسی و اصلاحات لازم صورت پذیرد.

**تبصره ۲ ماده ۱۱۵-** در مفاد تبصره مذکور عبارت «بارعایت سایر مقررات» به «تصویب مجمع عمومی» اضافه شود.

**مواد ۱۰۹ - ۱۱۸ - ۱۱۹-** از آنجائیکه اکثر داراییهای ایجادشده در شرکتها و موسسات دولتی از منابعی بجز سرمایه آنها تامین گردیده است بنابراین در صورت جابجایی و واگذاری بلاعوض این داراییها افزایش یا کاهش از سرمایه موضوع مواد ۱۰۹ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ قابل تأمل و بررسی است.

**ماده ۱۱۹ -** نظر به اینکه سرمایه ثبت شده اکثر شرکت‌های دولتی اندک می‌باشد و انتقال اموال غیرمنقول طبق مفاد این ماده صرفاً در حد سرمایه امکان پذیر است لذا جهت رفع محدودیت‌ها لازم است در مورد سقف تعیین شده تجدیدنظر شود.

**ماده ۱۳۵-** پیشنهاد می‌گردد مغایرت موجود بین مفاد این ماده و ماده ۱۴۰ اصلاحیه قانون تجارت مرتفع گردد.